



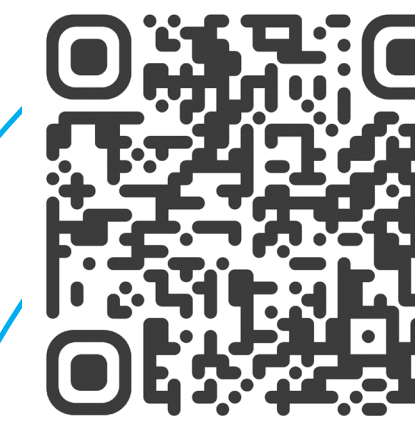
کدام حقوق بشر؟



حقوق بشر بین الملل بر اساس نگرش سکولار و انسان محوری غربی، انسان را موجودی صرفامادی می بیند و اصول خود را بر پایه دموکراسی لیبرال، آزادی فردی و نسبی گرای فرهنگی بنا نهاده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، اگرچه در ظاهر مدافع آزادی و کرامت انسان است، اما در عمل با تعمیم دیدگاه های خاص معرفتی و جهان شناختی غرب، در پی تحمیل نوعی نظام ارزشی واحد بر تمام فرهنگ هاست و تکتک آزادی اندیشه) را فقط در چارچوب تفکر مورد قبول خودشان می پذیرد (البته اندیشه مقبول ممکن است مطابق اوضاع و احوال، تغییر و تبدل یابد). در دیدگاه ایشان، محور اصلی، انسان منهای خداست؛ زیرا فقط انسان می تواند برای همونوع خودش قانون وضع کند و باید ها و نبایدها را به او بیاموزد؛ نه امور و حیاتی و مافوق قدرت بشری. در مقابل، حقوق بشر اسلامی مبتنی بر حق گرای (خدا محوری) و آزادی (نفی سلطه گری های محدود کننده آزادی در تمام زمینه ها) است که همگی حول محور عقل گرایی است.



خودت باش، فاطمه وار



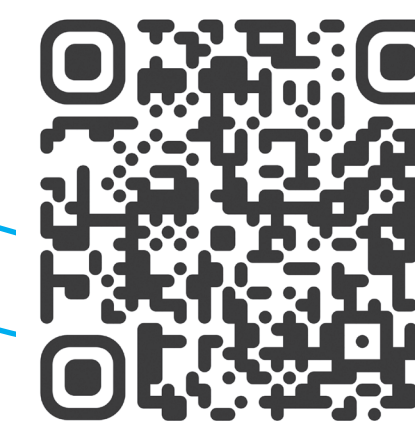
تصور کن خانم جوانی که هم می خواهد استقلال فکری و مالی داشته باشد، هم به عمق و معنویت در زندگی معتقد است. تصویر زن موفق در نگاه اصیل اسلامی، دقیقاً پاسخ گوی این جست و جوست. اینجا موفقیت، فقط در عرصه عمومی تعریف نمی شود؛ کسی که می تواند جامعه اش را مدیریت کند، اما خانه اش را به فراموشی بسپارد، اسوه کامل نیست. الگوی حقیقی، زنی است که چند بعدی زندگی می کند؛ در تحصیل و علم اندوزی جدی است؛ در اجتماع فعال و اثرگذار است و در عین حال، کانون خانواده را گرم و پرورش دهنده می سازد. این تصویر را کجا می توان یافت؟ در سیره درخشان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها. ایشان بانویی بود که در اوج جوانی، چنان عمق معرفتی داشت که بزرگ ترین مردان زمان باید از دانش او بهره می بردند. در عین حال، همسری همراه و مادری چنان دلسوز که هرگز سنگینی مسئولیت اجتماعی، از عطفوت بی کراتش در خانه نکاست. این همان نقطه طلایی تعادل است.



شهید مدرس، دیانت و سیاست

در تاریخ معاصر ایران، نام آیت الله سید حسن مدرس، علاوه بر یک روحانی مبارز، نشانی از نوعی حکمت سیاسی است که در بزنگاه های نفس گیر، از دل فقه شیعی برآمد و توانست در برابر جریان رویه گستر سکولاریسم رضاشاهی، منطق «دیانت کارآمد» را صورت بندی کند. کوبی شهید مدرس در قامت یک حکیم سیاسی، همان سخن امیرالمؤمنین را مجسم کرده بود که «المؤمن بصیر بزمانه»؛ زمانه شناس و تکلیف مدار، اهل تدبیر و در عین حال بی بیم از تهدید و تطمیع قدرت.

یکی از دلایل ماندگاری شهید مدرس، «ضابطه مندی» اوست؛ ویژگی ای که حتی کوچک ترین رفتارهایش را از منطق قاعده و عدالت خارج نمی کرد.



منتشر شد

۴۲

شبهه شناسی

گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه) شماره چهل و دو | آذرماه ۱۴۰۴

بسیج، قلب تپنده انقلاب



چرا دشمن، این قدر از یک کلمه می ترسد؟ بسیج فقط یک نام ساده است؛ اما برای دوستان انقلاب، نویدبخش امنیت و یاری است و برای دشمنان، کابوسی همیشگی. راز این ترس و کینه عمیق چیست؟ پاسخ در دل همین کلمه نهفته است؛ بسیج، شجره ای است که ریشه در جان مردم دارد. بسیجی همواره مظلوم واقع شده؛ از طعنه های نا آگاهانه گرفته تا هجوم رسانه های بیگانه؛ اما در سخت ترین لحظات، وقتی زمین می لرزد، سیل می آید یا آتش جنگ، شعله می کشد، همان مظلوم، اولین فریادرس است؛ بی منت، بی سروصدا و باتمام وجود.



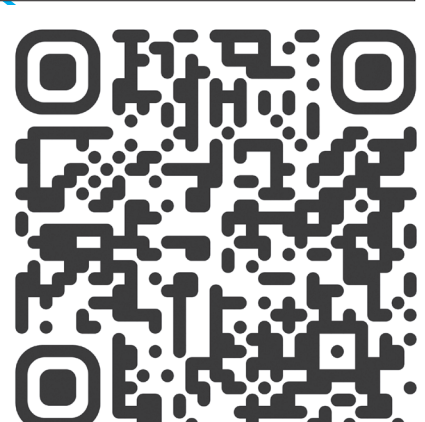
نعل وارونه

با آن که مشخصه بارز شانزدهم آذر که به عنوان روز دانشجو نامگذاری شده، استکبارستیزی است، اما برخی جریان های سیاسی با نادیده گرفتن این واقعیت و تحریف کامل آن، این روز را به گونه ای روایت می کنند که از آن هیچ نماد و چهره ای از مقابله با استکبار دیده نمی شود. این تحریف آشکار و آدرس غلط، در حالی است که شانزدهم آذر، به یاد دانشجویانی که به دلیل اعتراض به سفر رسمی «ریچارد نیکسون»، معاون رئیس جمهور وقت آمریکای جنایتکار به ایران و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا کمتر از چهار ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران به شهادت رسیدند به عنوان «روز دانشجو» نامگذاری شد. دانشجوست. این سطح جدیدی از تحریف واقعیت است. چقدر باید واقعیت تاریخی تحریف شود که هویت و دلیل اصلی شکل گیری یک حادثه به کلی به فراموشی سپرده شود و نمایشی از جنبش دانشجویی در کشور ارائه شود که استکبارستیزی در آن، هیچ حضوری نداشته باشد؟

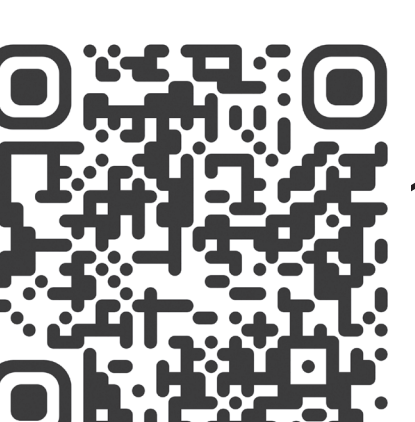


آوا و دوستش سپیده، وسط پارک مشغول عکس گرفتن از لباس های جدید بودند. آرزو، خانمی با حجاب کامل، روی نیمکت نزدیکشان نشسته بود و با تمرکز روی تپلش کار می کرد. آوا با دیدن او، بی اختیار زیر لب گفت: «آمل...!» صدایش به گوش آرزو رسید. آرزو سرش را بلند کرد و گفت: «بخشید. این کلمه ای که گفتید، یعنی چه؟» آوا که حساسی خجالت زده شده بود، گفت: «خب... یعنی عقب افتاده از این زمانه...» سپیده هم که کنج کاوشده بود، اضافه کرد: «بخشید خانم، منظور دوستم اینه که این پوشش، کمی با زندگی امروز جور در نمی آد...»

فطرت یا کـُـزراهه؟



گرایش جنسی در انسان، یکی از پیچیده ترین و در عین حال تأثیرگذارترین ابعاد وجودی اوست؛ این بعد در سه قالب ظاهر شود: «دگرجنس گرایی»، «همجنس گرایی» و «دوجنس گرایی». در میان این سه، دگرجنس گرایی، الگوی طبیعی است و روابط انسانی بر اساس همین گرایش، سامان یافته است. در عین حال، در طول تاریخ موارد اندکی گزارش شده که برخی افراد به شکل غیرمعمول به هم جنس تمایل داشته اند. این موارد نادر، بعد ها زمینه بحث هایی را درباره ماهیت همجنس گرایی فراهم کرد و برخی تلاش کردند آن را به عنوان نوعی گرایش طبیعی معرفی کنند. نکته مهم این است که ادعای طبیعی بودن همجنس گرایی، نه از دل تحقیق علمی، بلکه از دل تصمیم گیری های سیاسی و رای گیری های بیرون آمد. بسیاری از روان شناسان و پژوهشگران همان زمان نیز اعلام کردند که حذف این اختلال از طبقه بندی بیماری ها، بیشتر یک تصمیم اجتماعی - سیاسی بوده تا یک یافته قطعی علمی.



تکنیک «ضرب در صفر» در جنگ شناختی

این تکنیک در جنگ شناختی به معنای بی اثر کردن، بی اعتبار ساختن یا پوچ کردن یک رقیب، یک ایده، یک حرکت اجتماعی، یا یک دستاورد است. هدف این است که ارزش و اعتبار چیزی را به حدی کاهش دهند که دیگر نتواند تأثیری داشته باشد یا حتی دیده و شنیده شود. این کار با نادیده گرفتن، تحقیر، تمسخر، کوچک نمایی یا ربط دادن آن به موارد منفی و غیرقابل قبول انجام می شود. در واقع، هرچه تلاش و دستاورد آن چیز باشد، با یک ضرب در صفر از سوی عامل این تکنیک، ارزش نهایی آن صفر یا نزدیک به صفر می شود. برای انجام این تکنیک، از بعضی مغالطاتی می توان استفاده کرد.

